

قدرت‌های بزرگ و نقض رژیم‌های بین‌المللی حقوق بشر

علی‌اکبر جعفری^۱

چکیده: «حقوق بشر» به مثابه حقوق طبیعی و اخلاقیات ریشه در وجدان بشریت دارد. کتاب‌های آسمانی به ویژه قرآن کریم، آموزه‌های انبیا و صالحان، مبانی اخلاقیات مبتنی بر حقوق بشر نظیر حقوق اساسی، آزادی و کرامت ذاتی انسان را به‌گونه شایسته‌ای ترسیم کرده‌اند. نظام جدید حقوق بشر بین‌الملل در واقع یک پدیده بعد از جنگ جهانی دوم است که در اثر نقض فاحش اصول اخلاقی توسط دولت‌های غربی، جنایات و فجایع ضدبشری جنگ‌های جهانی، کشتار دسته‌جمعی و نسل‌کشی (ژنوساید) مطرح شده است.

در این پژوهش با استفاده از رهیافت رژیم‌های بین‌المللی، نقش قدرت‌های بزرگ به ویژه ایالات متحده آمریکا در تدوین اسناد حقوق بشر مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. قدرت‌های بزرگ گرچه در تدوین و ظهور رژیم‌های بین‌المللی دخیل‌اند، اما پس از تشکیل آن تلاش می‌کنند هژمونی خود را بر آن حفظ نمایند و اگر بخشی از آن معایر با منافع ملی آن‌ها باشد آن را نادیده گرفته و یا از بین می‌برند. در این اثر برای پاسخ به سؤال اساسی پژوهش، پس از بررسی رژیم‌های حقوق بشری، تلاش می‌شود موازین حقوق بشر اسلام را که مشحون از معیارهای انسانی و اخلاقی است، به عنوان مبانی اعلامیه جهانی حقوق بشر و اصول اساسی جمهوری اسلامی ایران، مورد تبیین قرار گیرد.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، سیاست، قدرت‌های بزرگ، اخلاق، رژیم‌های بین‌المللی، اسلام.

۱. آقای علی‌اکبر جعفری، عضو هیأت علمی و معاون پژوهشی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران
a.jafari@umz.ac.ir

مقدمه

شکل‌گیری نهادها و سازمان‌های حقوق بشر در جهان به عنوان رژیم‌های بین‌المللی، امید و آرزوهای آرمانی را برای ملل مستضعف سراسر جهان به وجود آورد. به همین دلیل پس از پایان فجایع کشتار انسانی و غیرمتمدنانه غرب در جنگ جهانی دوم و با شکل‌گیری سازمان ملل متحد، دادخواست‌ها و شکایت‌های فراوانی از سوی قربانیان علیه ناقضان حقوق بشر به این سازمان برای رسیدگی عادلانه ارائه گردید. انتظارات مردم جهان در شرایطی مطرح می‌شد که بیشترین سهم در توزیع قدرت در رژیم بین‌المللی جدید به قدرت‌های بزرگ اختصاص یافته بود.

استفن کراسنر^۱ به عنوان نظریه‌پرداز نئورئالیسم در تعریف از رژیم‌های بین‌المللی که در محافل آکادمیک یک تعریف استاندارد است، می‌گوید: مجموعه‌ای از اصول،^۲ هنجارها،^۳ قواعد^۴ صریح یا تلویحی و رویه‌های تصمیم‌گیری^۵ می‌باشند که از طریق آن انتظارات بازیگران حول محور موضوعات خاص با هم نزدیک می‌شود و خواسته‌ها و آرزوهای کنشگران با یکدیگر هماهنگ و برآورده می‌شوند (Krasner, 1981: 1). منظور از اصول اعتقاداتی که با اهداف بازیگران، واقعیات و علت‌ها در ارتباط می‌باشد. هنجارها استانداردهای رفتاری است که بر مبنای حقوق و تکالیف بازیگران تعریف می‌گردد. قواعد تجویزها، ممنوعیت‌ها و یا تنظیم‌کننده رابطه میان اهداف و رفتار یعنی اصول و هنجارهاست. رویه‌های تصمیم‌گیری فرایندهایی‌اند که بازیگران در آن تصمیمات خود را اتخاذ می‌کنند (Krasner, 1981: 2). براساس این تعریف که مطابق با مقدمه و اصل اول منشور سازمان ملل متحد می‌باشد، دولت‌های عضو در مسیر حفظ صلح، امنیت بین‌الملل، امنیت دسته‌جمعی و توسعه روابط دوستانه باید با یکدیگر همکاری بین‌المللی داشته باشند. به این ترتیب، هدف از تشکیل رژیم بین‌المللی ملل متحده این بود که کلیه دولت‌ها چه قدرت‌های بزرگ و چه قدرت‌های کوچک در مدیریت جهانی و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دخیل باشند تا نسل‌های آینده از بلاهای ناشی از منازعه و جنگ‌ها در امان باشند.

قدرت‌های بزرگ گرچه در تدوین و ظهور رژیم‌های بین‌المللی مؤثرند، اما پس از تشکیل آن تلاش می‌کنند هژمونی خود را حفظ نمایند. قدرت‌های بزرگ براساس

-
1. Stephen Krasner
 2. Principles
 3. Norms
 4. Rules
 5. Decision-making procedures

منافع ملی خود حداکثر استفاده را از رژیم‌های بین‌المللی به عمل می‌آورند اما اگر بخشی از آن مغایر با منافع ملی آن‌ها باشد آن را از بین می‌برند. در چنین شرایطی رفاه عمومی در جهان به مخاطره می‌افتد و در نتیجه تنش‌ها و منازعات بین‌المللی افزایش می‌یابد (Krasner, 2000).

از میان رژیم‌های بین‌المللی، رژیم حقوق بشر به دلیل توجه به حق حیات، آزادی، امنیت فردی و عدالت اجتماعی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (Landman and Carvalho, 2010). این مفهوم در زبان فارسی "حقوق بشر"، در زبان عربی "حقوق الانسان"، در زبان انگلیسی "Human Rights" و در زبان فرانسه "Droits de l'Homme" می‌باشد و در اصطلاح، حقوقی است که شخص از این حیث که انسان است از آن برخوردار می‌باشد. حقوق بشر در عین حال حقوقی "غیر قابل سلب" هستند؛ زیرا فارغ از این که ما چگونه رفتار می‌کنیم، نمی‌توانیم برآزنده چیزی غیر از انسان باشیم (نقیبی مفرد، ۱۳۸۹: ۵۳). در دوره معاصر اندیشه حقوق بشر در منشور سازمان ملل متحد گنجانده شد و با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ به عنوان رژیم بین‌المللی حقوق بشر، جنبه عملی پیدا کرد (گریقی‌تس، ۱۳۸۸: ۴۴۷).

به لحاظ پیشینه تاریخی نیز مفاهیم و مصادیق حقوق بشر به جهت نقش محوری آن در حیات بشری در اعماق وجود انسانی قرار دارد و در فرایند تاریخی در سنگ‌نوشته‌ها، الواح قانون و آژده‌ها، کتاب‌های آسمانی و قوانین موضوعه آمده است. اجزای حقوق بشر همانند عناصر یک سیستم با یکدیگر روابط متقابل دارند و تحول در یکی از این اجزا، تأثیر خود را بر سایر اجزا خواهد گذاشت. سؤال اساسی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که رژیم‌های مهم حقوق بشری کدامند و تا چه حدودی توانسته‌اند با پایبندی به اخلاقیات، صلح و امنیت بین‌المللی را تأمین نمایند؟ در سیاست بین‌الملل نقش قدرت‌های بزرگ در احترام به اصول اخلاقی، هنجارها و فرایند اجرای فرامین حقوق بشر چگونه بوده است؟ برای پاسخ به سؤال اساسی این پژوهش از آنجایی که دامنه حقوق بشر بسیار وسیع و گسترده است، تلاش شده است به نهادها، سازمان‌ها، پیمان‌ها و کنوانسیون‌های مهم حقوق بشری اشاره شود و در ادامه هر کدام از این مباحث، برخی از وجوه آن مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

منشور سازمان ملل متحد^۱

گرچه منشور سازمان ملل متحد که در ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ براساس کنفرانس سانفرانسیسکو به امضا رسید، مقرراتی در زمینه حقوق بشر مطرح نمود ولی قدرت‌های بزرگ و فاتح جنگ به دلیل این که خود مشکل حقوق بشری داشتند به راحتی حاضر به اجرای آن نمی‌شدند. ایالات متحده آمریکا رکورددار مسئله تبعیض نژادی در جهان به حساب می‌آمد. انگلیس و فرانسه بسیاری از کشورها را مستعمره خود نمودند. اتحاد جماهیر شوروی با نظام کمونیستی خود و توسعه آن به شکل کشورهای اقماری دارای مشکل حقوق بشری فراوانی بود.

در مقدمه منشور سازمان ملل متحد اشاره‌ای به حقوق بشر و ویژگی‌های انسانی شده است. در ماده ۱ منشور مقاصد و اهداف حقوق بشری سازمان ملل متحد مطرح می‌باشد. در ماده ۵۵ ضرورت ایجاد شرایط ثبات و رفاه برای تأمین روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه بین‌الملل براساس احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل، نظیر بالابردن سطح زندگی، اشتغال، ترقی و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی، بهداشت، همکاری‌های بین‌المللی فرهنگی و آموزشی، احترام جهانی و مؤثر به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس و زبان یا مذهب مطرح شده است. در ماده ۵۶ از کلیه اعضا می‌خواهد که برای نیل به مقاصد ماده ۵۵ با سازمان ملل متحد همکاری فردی یا دسته جمعی به عمل آورند. در این مبحث نقدی که بر منشور سازمان ملل متحد وارد است این است که اختیارات سازمان ملل برای اجرایی نمودن آن محدود است. این اختیارات برعهده مجمع عمومی و شورای اقتصادی-اجتماعی (اکوسوک) قرار داده شده است که هیچ‌گونه قدرت اجرایی ندارند و حتی قطعنامه‌های صادر از ناحیه این ارکان الزام‌آور نیستند. همچنین، منشور در مواد ۱۳، ۶۲ و ۶۸، مطالعات و تشکیل کمیسیون‌ها و ارائه توصیه‌های حقوق بشری و ترویج حقوق بشر را به‌عهده مجمع عمومی و اکوسوک قرار داده است. اگرچه انتقاداتی به سازمان ملل متحد در مورد ابهامات و رویه اجرایی مواد حقوق بشر وارد می‌باشد، ولی اعتبار این مقررات دارای اهمیت بین‌المللی است و در صلاحیت انحصاری مقررات داخلی دولت‌ها نیست. نقض حقوق بشر از سوی دولت‌ها رسیدگی بین‌المللی را می‌طلبد. به دلیل نفوذ قدرت‌های بزرگ و با قرار دادن کارمندان اجیر شده در پست‌های کلیدی مربوط به

1. United Nations Charter

کمیسیون‌های حقوق بشر^۱ و مطالعات در زمینه حقوق بشر کشورهای متخاصم نشان می‌دهد که بسیاری از قطعنامه‌های صادره جنبه تبعیض‌آمیز و دارای استانداردهای دوگانه و یا چندگانه است. این سازمان در موارد متعدد در برخورد با ناقضان فاحش حقوق بشر در جامعه بین‌المللی به طور سلیقه‌ای عمل نمود. برای نمونه نقض‌های حقوق بشر و مداخله‌گرایی ایالات متحده آمریکا در قضیه گواتمالا، کوبا، جمهوری دومینیکن، گرانادا، نیکاراگوئه، پاناما، هائیتی (Hilaire, 1997: 6-9) و برخی از نمونه‌های نقض حقوق بشر در دهه‌های اخیر شامل قضیه سربرنیتسا، حادثه کوزوو، حمله عراق به ایران (زمانی، ۱۳۸۰: ۸۳)، حمله اسرائیل به غزه و لبنان، حمله آمریکا و متحدین آن به افغانستان، عراق، استاندار چندگانه نسبت به دانش هسته‌ای ایران و... می‌باشند.

در بررسی قضیه سربرنیتسا متوجه می‌شویم سازمان ملل متحد در وقوع این جنایات صورت گرفته، نقش داشته است. علی‌رغم قطعنامه ۸۱۹ شورای امنیت مبنی بر ایجاد منطقه امن در این منطقه، اما فرماندهان ناتو تصمیم گرفتند از این منطقه امن حفاظت به عمل نیاورند. قدرت‌های بزرگ با علم به این که با سقوط سربرنیتسا مخاطرات حقوق بشری توسط ملادیچ^۲ علیه مسلمانان به وقوع خواهد پیوست، حتی حاضر نشدند جان یک نفر از اتباع خود را به خطر اندازند. در ژوئیه ۱۹۹۵ در زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون، ملادیچ، ژنرال ارتش صرب بوسنیایی شهروندان سربرنیتسا را در تله مرگبار گرفتار ساخت. در این فاجعه ۷۰۰۰ نفر از مردان و جوانان مسلمان را اعدام کرد و ۲۳۰۰۰ نفر از زنان، کودکان و مردان کهن سال را جابجا نمود. این پاکسازی نژادی منحصر به فرد که بی هیچ اغراقی، لرزه بر اندام انسان می‌اندازد، آشکارا در برابر دیدگان «کلاه آبی‌ها» ی سازمان ملل متحد انجام گرفت (رابرتسون، ۱۳۸۳: ۱۲۱) طرح از پیش تعیین شده آن‌ها چنان دقیق بود که حتی فکر تهیه کامیون برای حمل اجساد کشته‌شدگان غیرنظامی و سرباز به گورهای دسته‌جمعی را هم کرده بودند.

حمله فرماندهان صرب بوسنی به شهر، نقض آشکار حقوق بین‌الملل به حساب می‌آید. آن‌ها با اعدام اسیران جنگی و نقض کنوانسیون سوم ژنو، مرتکب جنایت جنگی شدند؛ با اعدام غیرنظامیان، علاوه بر نقض کنوانسیون ژنو، مرتکب جنایت علیه بشریت نیز شدند. جنایاتی که به دلیل شدت قساوت آن وجدان جامعه جهانی بر اثر آن

۱. کمیسیون حقوق بشر به دلیل ناکارآمدی و نفوذ قدرت‌های بزرگ در آن، براساس قطعنامه ۱۵ مارس ۲۰۰۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد جای خود را به "شورای حقوق بشر" (UNHRC) داده است. برای اطلاع بیشتر رک به: (شورای حقوق بشر، ۱۳۸۹: ۵۲-۳۱) و (UN/GA/Res/A/1644,2006)

جریحه‌دار می‌شود (Mcauliffe, 2000: 491). با نابودی عمدی هر جامعه‌ای به دلایل نژادی و مذهبی (ملادیچ این مسلمانان را ترک می‌خواند)، آشکارا نسل‌کشی محسوب می‌شود. این قضیه تا زمان حادثه کوزوو، بدترین نوع جنایت جنگی بود که پس از سقوط هیتلر، در تاریخ اروپا اتفاق افتاد (رابرتسون، ۱۳۸۳: ۱۲۲). نمونه غم‌انگیزتر آن در منطقه خاورمیانه، حمله عراق به جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که با تحریک و پشتیبانی‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی قدرت‌های بزرگ از دیکتاتور این کشور صورت گرفت. در این جنگ، صدام حسین سه نوع جنایت حقوق بشری فوق‌الذکر شامل جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی را یک جا مرتکب شد، ولی قطعنامه‌های شورای امنیت به‌طور ملاحظه‌کارانه و براساس مصلحت قدرت‌های بزرگ صادر شده بود. مورد گواه برای اثبات ادعای ما مقایسه قطعنامه‌های شورای امنیت در جنگ عراق با ایران و حمله عراق به کویت می‌باشد (Cordesman, 1987: 104-80).^۱

هر چه به قرن ۲۱ نزدیک می‌شویم و در دهه اول هزاره سوم، استانداردهای چندگانه و ناکارآمدی شورای امنیت سازمان ملل متحد برجسته‌تر می‌شود. نقض همه‌جانبه حقوق بشر توسط ایالات متحده آمریکا و متحدان استراتژیک آن در افغانستان و عراق، اعتبار سازمان ملل متحد را در افکار جهانی به حداقل رسانده است. در قضیه سربرنیتسا تنها هفت هزار نفر کشته شدند، ولی در اثر حمله آمریکا به عراق بیش از هشتصد هزار نفر کشته شده‌اند. در اثر حمله متحد استراتژیک آمریکا به غزه، اسرائیل هم‌زمان جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی به وقوع پیوسته است. طبق ماده ۸ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی که منطبق بر کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و سایر مقررات و عرف جنگی است، اعمالی مانند تخریب گسترده اموال، حمله به مناطق و افراد غیرنظامی و بمباران آن‌ها، حمله به ساختمان‌های مذهبی و میراث فرهنگی، هنری و استفاده از هر سلاح یا شیوه‌ای که موجب ایراد جراحت یا رنج غیرضروری یا بیش از حد شود، جنایت جنگی محسوب می‌شود؛ ضمن آن که خود تجاوز به سرزمین کشورهای همسایه نیز یک جرم بین‌المللی است (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۷: ۵). رژیم صهیونیستی در حمله به نوار غزه مرتکب جنایت‌های ضدسلامت و امنیت بشر شامل تجاوز و جنایت تروریسم بین‌المللی نیز شده است. طبق اسناد بین‌المللی به ویژه اساسنامه دادگاه جنایی بین‌المللی و کنوانسیون چهارم ژنو، اسرائیل دارای مسئولیت مادی، مسئولیت سیاسی و مسئولیت کیفری اقدامات ضد حقوق بشری خود می‌باشد. (لیتییم، ۱۳۸۸: ۱۲۸-۱۱۸)

۱. برای اطلاع بیشتر رک به: (شریفی، ۱۳۷۷: ۱۳۱) و (جعفری، ۱۳۷۹: ۱۱۹-۱۰۶).

از لحاظ شرایط تحقق جنایات علیه بشریت نیز چون این حملات در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته از سوی یک رژیم انجام گرفته و موجب بروز نتایجی چون قتل، نابودسازی، اخراج یا انتقال جمعیت و اذیت و آزار غیرنظامیان شده است، می‌تواند تحت ماده ۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، طبقه‌بندی شود. از همه مهم‌تر، اعمالی چون کشتن، ایراد صدمه شدید جسمانی یا روانی و تحمیل عمدی شرایط زیستی نامناسب به اعضای یک گروه قومی، ملی، نژادی یا مذهبی به قصد نابودکردن همه یا بخشی از آن گروه، می‌تواند به موجب ماده ۶ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی و نیز کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی مصوب سال ۱۹۴۸ (که دولت ایران نیز به این کنوانسیون پیوسته است) نسل‌کشی محسوب شود که این جرم را به دلیل همان قصد خاص از بین بردن همه یا بخشی از یک گروه قومی، ملی، نژادی یا مذهبی که در آن نهفته است، شدیدترین جرم بین‌المللی و در واقع «ام‌الجرائم» می‌نامند که مرتکبان آن، معمولاً محکوم به تحمل مجازات‌های شدیدی در محاکم کیفری بین‌المللی می‌شوند.

به این ترتیب، یافتن وصف مجرمانه برای جنایات ارتکاب یافته از سوی رژیم اسرائیل و متحدان آن چندان دشوار نیست؛ دشواری بیشتر به یافتن مرجع صالح برای طرح شکایت علیه مسببان این فجایع مربوط می‌شود. عدم پذیرش اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی از سوی رژیم اسرائیل به معنی آن است که جنایات ارتکابی از سوی آن یا در قلمرو آن را نتوان در دادگاه کیفری بین‌المللی در لاهه تعقیب کرد. با توجه به برخورداری دولت اسرائیل از حق وتوی متحد استراتژیک خود در شورای امنیت سازمان ملل متحد، امکان تشکیل دادگاه از سوی این شورا درخصوص این فجایع (آن‌گونه که درباره وقایع یوگسلاوی سابق و رواندا رخ داد)، کاملاً دور از ذهن است (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۷: ۵). نمونه اقدامات ضد حقوق بشری اسرائیل در نوار غزه و نیز محاصره شدید غذایی، دارویی و حمله به کاروان نجات مردمان غزه در سواحل مدیترانه در تابستان ۲۰۱۰، تنها بخشی از اقدامات ضد حقوق بشری است که این دولت از زمان شکل‌گیری غیرقانونی آن در ۱۴ می ۱۹۴۸ تاکنون مرتکب شده است. بررسی هر یک از پدیده‌های ضد حقوق بشری، که خود نگارش کتاب مجزایی را می‌طلبد، نشان‌دهنده این واقعیت است که شورای امنیت سازمان ملل متحد به دلیل ساختار انحصارگرایانه و تبعیض‌آمیز آنچه در زمان جنگ سرد و چه پس از آن ناکارآمد بوده است و نتوانسته است کار ویژه خود را به طور غیرجانبدارانه انجام دهد. بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که این سازمان به دلیل سیاست‌های تبعیض‌آمیز در اجرای مقررات حقوق بشر، نیاز به تغییر ساختاری دارد.

کمیسیون حقوق بشر^۱

بنا به پیشنهاد اکوسوک و به موجب قطعنامه شماره ۵ مصوب ۱۹۴۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد کمیسیونی با عضویت اولیه نه کشور تحت عنوان کمیسیون حقوق بشر برای ترویج، حفظ و حمایت از حقوق بشر تأسیس گردید. تعداد اعضای کمیسیون به تدریج در طی چند مرحله افزایش یافت و به ۵۳ عضو رسید. ارائه طرح‌ها، توصیه‌ها و گزارش‌هایی در مورد ارائه یک سند بین‌المللی حقوق بشری، اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی در خصوص آزادی‌های مدنی، نقش زنان، آزادی بیان، حقوق اقلیت‌ها، جلوگیری از تبعیض نژادی، جنسیتی، زبانی و مذهبی، از جمله اهدافی بود که در سند تأسیسی کمیسیون حقوق بشر به چشم می‌خورد. کمیسیون حقوق بشر به عنوان ابزار اصلی و بین‌المللی سازمان ملل متحد برای بهبود و پشتیبانی از حقوق بشر زیر نظر اکوسوک سالی یک بار به مدت شش هفته تشکیل جلسه می‌داد و تمرکز اصلی آن بررسی، نظارت و انتشار گزارش‌هایی درباره وضع حقوق بشر در کشورها و در نهایت ترویج، ارتقا و حمایت از حقوق بشر بود (شورای حقوق بشر، ۱۳۸۹: ۱۹-۱۵).

کمیسیون حقوق بشر طی ۶۰ سال فعالیت خود (۱۹۴۷ تا ۲۰۰۶) در راستای حفظ و صیانت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تلاش نمود. علاوه بر تهیه و تصویب میثاقین، در جهت تدارک و تثبیت سایر ضوابط و استانداردهای حقوق بشری گام‌هایی برداشت. کمیسیون حقوق بشر، به رغم موفقیت نسبی، متأسفانه نتوانست توفیق چندانی در ارتقای حقوق بشر و حمایت از آن و جلوگیری از نقض‌های فاحش حقوق بشر کسب کند. ملت‌های محروم و آنان که حقوق مسلم و مصرح خود در منشور ملل متحد را پایمال شده می‌دانستند، با آشکار شدن ضعف‌های متعدد آن، امید خود را به استمرار فعالیت‌های مؤثر کمیسیون حقوق بشر از دست دادند. کشتار مستمر و بی‌رحمانه مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی توسط اسرائیل و نقض‌های فاحش حقوق بشری در حالی انجام می‌گرفت و ادامه می‌یافت که حدود ۳۰ درصد از کل قطعنامه‌های کمیسیون حقوق بشر در خصوص محکومیت این رژیم صادر شده بود. با استمرار و سلب حق حیات انسان‌ها در سایر نقاط جهان از جمله افغانستان و عراق، شکنجه زندانیان، تعدی به حقوق آزادی‌خواهان واقعی، خشونت علیه زنان و کودکان و توهین به مذاهب و نقض حقوق مسلمانان، تحقیر آن‌ها و... و عدم اتخاذ موضعی مناسب از سوی این کمیسیون، بسیاری را بر این باور مصمم ساخت که کمیسیون به عنوان ابزار و پوششی برای متهم نمودن برخی از کشورها و چشم‌پوشی از جنایت‌هایی است که توسط برخی

1. United Nations Commission on Human Rights

کشورهای دیگر انجام می‌گیرد. کوفی عنان، دبیرکل وقت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ می‌گوید: "کمیسیون فعلی در ممانعت از نقض بنیادین حقوق بشر، ناتوان بوده است. این کمیسیون راه خود را گم کرده بود و به صورتی در آمده بود که ناقضان بشر تباری می‌کردند که پشت سر یکدیگر مخفی شوند" (شورای حقوق بشر، ۱۳۸۹: ۲۳). از این‌رو، با توجه به موارد مطرح شده علت محوری ناکارآمدی کمیسیون حقوق بشر تسلط قدرت‌های بزرگ و استفاده ابزاری از این سازمان ارزیابی می‌شود. اقدامات ضد حقوق بشری قدرت‌های بزرگ در سایر نقاط جهان از چشم نظارتی کمیسیون مصون نگاه داشته می‌شد. اصولاً قطعنامه‌های کمیسیون علیه کشورهای مورد هدف نظیر میانمار، سودان، کره شمالی، ایران، روسیه سفید، هائیتی و ... صادر می‌شد و کشورهای ناقض حقوق بشر اما همسو با منافع ملی قدرت‌های بزرگ از زیر تیغ نظارتی کمیسیون در امان بودند.

منشور بین‌المللی حقوق بشر

در زمان تصویب منشور سازمان ملل متحد سندی ضمیمه آن قرار گرفت تحت عنوان "اعلامیه حقوق اساسی انسان"^۱ که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ژانویه ۱۹۴۶ تحت عنوان "منشور بین‌المللی حقوق بشر" به تصویب رسید. این سند بیشتر به صورت پند و اندرز حقوق بشر به دولت‌ها بود و هیچ‌گونه تعهداتی را برای دولت‌ها به وجود نمی‌آورد. به همین دلیل کمیسیون حقوق بشر شورای اقتصادی و اجتماعی مأمور شد تا دو متن، "اعلامیه جهانی حقوق بشر" و "کنوانسیون بین‌المللی حقوق بشر" را آماده کند و آن را به تصویب برساند. این دو متن تحت عنوان "منشور بین‌المللی حقوق بشر" نام گرفت.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید ولی کنوانسیون بین‌المللی حقوق بشر به دلیل الزام‌آور بودن تصویب آن سال‌ها به طول انجامید و در نهایت در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ تحت سه عنوان جداگانه: ۱. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی،^۲ ۲. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی،^۳ ۳. پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی،^۴ به تصویب رسید. اعلامیه جهانی حقوق بشر دارای یک مقدمه و ۳۰ ماده است. اعلامیه

1. Declaration on the Essential Rights of Man (1946)
2. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights
3. International Covenant on Civil and Political Rights
4. Optional Protocol to the International Covenant on Civil and Political Rights

جهانی حقوق بشر به عنوان بخشی از ساختار قانون اساسی جامعه بشری، امروزه در جامعه بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای دارد و دولت‌های عضو متعهد شدند که در ارتقا و رعایت آن اقدام نمایند. این اعلامیه کلیه دولت‌های عضو و غیرعضو سازمان ملل متحد را به رعایت مفاد آن متعهد می‌کند. با توجه به ویژگی‌های مثبت این اعلامیه، تنظیم آن در شرایط یک جامعه دموکراتیک غربی وضع شده است و خود این معنی را به رسمیت می‌شناسد که حقوق و آزادی‌های اعلام شده در آن مطلق نیست، لذا به دولت‌ها اجازه می‌دهد قوانینی را به تصویب برسانند که اجرای این حقوق را محدود کند.

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: این میثاق دارای یک

مقدمه و ۳۱ ماده در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ طی قطعنامه 2200 A به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و در ۳ ژانویه ۱۹۷۶ قدرت اجرایی پیدا کرد. این میثاق نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر، فهرست جامع‌تر و طولانی‌تری از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در بردارد. حقوقی که این میثاق به رسمیت می‌شناسد عبارت‌اند از: حق کار، حق برخورداری از شرایط عادلانه و مناسب کار، حق تشکیل و الحاق به اتحادیه کارگری، حق تامین اجتماعی از جمله، حق بیمه اجتماعی، حمایت از خانواده، برخورداری از یک زندگی در سطح متناسب، برخورداری از سطح متناسب از بهداشت جسمی و روانی، حق آموزش برای همه و حق شرکت در زندگی فرهنگی. این میثاق علاوه بر ارئه فهرست حقوق بشر، آن‌ها را تعریف و تشریح می‌کند و سازوکار اجرایی و نحوه نظارت آن را نیز مطرح می‌کند (مهرپور، ۱۳۸۴: ۵۸-۵۲). برخی از دولت‌ها میثاق مزبور را با شرط و تحفظ پذیرفتند و دولت ایران نیز در سال ۱۳۵۴ آن را بدون قید و شرط در مجلس ملی و سنا به تصویب رساند.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: دارای یک مقدمه و ۵۳ ماده است و

براساس قطعنامه شماره 2200 A در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ به اجرا درآمد. بسیاری از مواد آن مشخص‌تر و روشن‌تر از اعلامیه جهانی حقوق بشر است و نیز مشابهت‌هایی با میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد. بسیاری از دولت‌ها این میثاق را در پارلمان کشور خود به تصویب رساندند و برخی از آن‌ها فقط آن را امضا کردند ولی هنوز تصویب نکرده‌اند. دولت آمریکا در سال ۱۹۹۲ میثاق را تصویب کرد، اما شروط متعددی بر آن وارد نمود؛ از جمله نسبت به ماده ۲۰ میثاق در مورد ممنوعیت تبلیغ برای جنگ، می‌گوید: "این ماده چون مخالف حق آزادی بیان است که قانون اساسی آمریکا نیز از آن حمایت نموده، قابل اجرا نیست". درخصوص ماده ۷ راجع به ممنوعیت شکنجه، رفتار و مجازات خشن و غیرانسانی و تحقیرکننده نیز دولت آمریکا آن را همراه

با اصلاحیه می‌پذیرد. در خصوص منع مجازات اعدام برای اشخاص کمتر از ۱۸ سال (بند ۵ ماده ۶ میثاق) اعلام می‌دارد که ایالات متحده آمریکا در مواردی که طبق قانون داخلی حکم مجازات اعدام برای افراد کمتر از ۱۸ سال مجاز شناخته شده، قانون داخلی خود را اجرا می‌کند و نسبت به این ماده حق تحفظ اعلام می‌نماید. دولت ایران، میثاق را همانند میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بدون هیچ‌گونه قید و شرطی و اعلامیه تفسیری و توضیحی پذیرفته است و مجلسین شورا و سنا در سال ۱۳۵۴ آن را تصویب کرده‌اند (مهرپور، ۱۳۸۴: ۶۹).

پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: دارای یک مقدمه و ۱۴ ماده است و هم‌زمان با تصویب میثاقین در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. علی‌رغم اهمیت مواد میثاقین و پروتکل آن، این قوانین توسط قدرت‌های بزرگ مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. سازوکاری که در میثاق مدنی و سیاسی برای تبدیل گزارش‌های کمیسیون حقوق بشر و مجمع عمومی به عامل فشار علیه دولت‌های ناقض حقوق بشر پیش‌بینی شده، تنها در اختیار قدرت‌های بزرگ می‌باشد که می‌توانند از آن سازوکار استفاده ابزاری نمایند. برای نمونه، گزارشی با امضای تعداد حد نصاب دولت‌ها علیه یک کشوری که در راستای اهداف سلطه‌گرایانه قدرت‌های بزرگ نباشد تهیه و با پشت‌سرگذاشتن سلسله‌مراتب به اتهام نقض حقوق بشر، آن کشور مستقل را بایکوت و تحت فشارهای شدید بین‌المللی قرار می‌دهند. دولت‌های در حال توسعه شاهد بهره‌برداری‌های ابزاری از کمیسیون حقوق بشر، کمیته حقوق بشر و سازمان عفو بین‌الملل توسط قدرت‌های بزرگ بوده‌اند که حاضر به تبعیت و همکاری با مقاصد سلطه‌جویانه آن‌ها نیستند (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۲۲۹).

شورای حقوق بشر

مجمع عمومی بر اساس پیشنهاد دبیرکل سازمان ملل متحد قطعنامه ۶۰/۲۵۱ مورخ ۱۵ مارس ۲۰۰۶ (۱۴ اسفند ۱۳۸۵) را پس از پنج ماه گفتگو با اکثریت آرا به تصویب رساند. شورای حقوق بشر با تأکید بر ارتقای جایگاه و فرآیند حقوق بشر در نظام ملل متحد، حمایت و ارتقای حق توسعه، آموزش حقوق بشر، موضوع بازبینی و تقویت اجرای تعهدات و الزامات حقوق بشری دولت‌ها، بازبینی و منطقی‌نمودن برخی از وظایف کمیسیون و مشارکت در زمینه پیش‌گیری از نقض حقوق بشر از طریق گفتگو و همکاری و واکنش سریع در موارد اضطراری نقض حقوق بشر، از جمله وظایف جدی این

شورا است.^۱ در بررسی عملکرد شورای حقوق بشر می‌توان امیدوار بود که این شورا توانسته است تاحدودی به مشکلات گریبانگیر کمیسیون حقوق بشر در طی ۶۰ سال گذشته خاتمه دهد. با این وجود، نمی‌توان از این موضوع غافل شد که نفوذ قدرت‌های بزرگ در این شورا همانند سایر نهادهای بین‌المللی آن را به ورطه سیاست‌زدگی سوق دهند و با امنیتی نمودن مسائل حقوق بشری کشورها، از حربه شورای امنیت برای مجازات‌های سنگین علیه برخی از کشورها سوءاستفاده نمایند. با توجه به سازوکارهای متعدد نظارتی در شورای حقوق بشر و گره خوردن حقوق بشر با مباحث صلح و امنیت بین‌المللی، در صورت اراده قدرت‌های بزرگ مبنی بر اعمال فشار بر کشورهای مورد هدف، به راحتی می‌توان موضوع را به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع داد و یا اعمال انواع تحریم‌ها و مجازات‌ها را از تصویب شورای امنیت گذرانند. وزیر امور خارجه کانادا در جریان اجلاس سران کشورها صراحتاً می‌گوید: "هدف ما از تغییر کمیسیون به شورا تحت نظارت قرار دادن هر چه بیشتر کشورهای هم‌چون جمهوری اسلامی ایران است" (شورای حقوق بشر، ۱۳۸۹: ۱۱۳). در سازوکار جدید قدرت‌های بزرگ می‌توانند با جلب نظر ۱۵ کشور عضو شورای امنیت جلسه ویژه حقوق بشری تشکیل داده و اقدام به صدور قطعنامه حقوق بشری علیه کشور متهم به نقض حقوق بشر نمایند. علاوه بر رژیم‌های حقوق بشری مذکور، کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌های بین‌المللی متعددی در زمینه حقوق بشر وجود دارد که در این قسمت به طور فهرست‌وار برخی از آن‌ها مطرح می‌شود:

کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته‌جمعی (ژنوساید، ۱۹۴۶)، کنوانسیون بین‌المللی محو هر نوع تبعیض نژادی (۱۹۶۵)، کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جرم نژادپرستی (آپارتاید، ۱۹۶۵)، کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیرانسانی و یا تحقیرکننده (۱۹۷۳)، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)، کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۵۹، ۱۹۸۹)، اعلامیه امحای تمامی صور ناپردباری و تبعیض مذهبی (۱۹۸۱)، کنوانسیون بین‌المللی ضد آپارتاید در ورزش (۱۹۸۵)، اعلامیه حقوق اقلیت‌های ملی یا نژادی، مذهبی یا زبانی (۱۹۹۲)، اعلامیه حمایت از قربانیان و ناپدیدسازی اجباری (۱۹۹۲)، اعلامیه منع خشونت علیه زنان (۱۹۹۳)، اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی علیه جنایت علیه بشریت (۱۹۹۸) و ... که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده‌اند.

۱. برای اطلاع بیشتر رک به: (شورای حقوق بشر، ۱۳۸۹: ۹۳-۳۲).

با نگاهی اجمالی به نحوه تعامل ایالات متحده آمریکا با شش پیمان اصلی و معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق اول و دوم، تبعیض نژادی، تبعیض علیه زنان و حقوق کودک، نشان می‌دهد که این کشور حتی برخلاف متحدانش در آتلانتیک شمالی از پذیرش حقوق فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به عنوان حقوق بشر سر باز می‌زند. ضمن این که ایالات متحده کشوری است که تاکنون به کنوانسیون سازمان ملل متحد در زمینه حقوق کودک نپیوسته است. اگرچه این کشور مدعی حقوق سیاسی و مدنی برای سایر کشورها است، حتی در همین زمینه نیز هنگام الحاق به میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی در سال ۱۹۹۹، برخی تحفظ‌ها را برای خود لحاظ کرده و پروتکل اختیاری این میثاق که به افراد اجازه شکایت در مورد نقض را می‌دهد نپذیرفته است (آقایی و براتی، ۱۳۸۹: ۲۵). بدین ترتیب، قدرت‌های بزرگ به ویژه ایالات متحده آمریکا در سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، قوانین ملی را بر قوانین بین‌المللی و حقوق بشری ترجیح می‌دهند و بر آن تأکید می‌ورزند. قدرت‌های بزرگ در صورت لزوم، از ابزار فشار دیپلماسی و نیز همه ظرفیت‌های آشکار و پنهان خود در راستای منافع و اهداف ملی خود استفاده می‌کنند.

کنوانسیون‌های ژنو

کنوانسیون‌های ژنو مشتمل بر چهار سند مجزاست. عناوین آن عبارت‌اند از:

۱. کنوانسیون ژنو برای بهبود وضع مجروحین و بیماران نیروهای مسلح در جنگ زمینی؛
 ۲. کنوانسیون ژنو برای بهبود وضع مجروحین و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در جنگ دریایی؛
 ۳. کنوانسیون ژنو مربوط به رفتار با اسیران جنگی؛
 ۴. کنوانسیون ژنو مربوط به حمایت از افراد غیرنظامی در دوران جنگ.
- کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در ۱۲ اوت ۱۹۴۹ به تصویب رسیده و در ۲۱ اکتبر ۱۹۵۰ لازم‌الاجرا شده است. کنوانسیون چهارگانه ژنو دارای دو پروتکل است و پس از کنوانسیون حقوق کودک، بالاترین اعضای سازمان ملل متحد را به خود اختصاص داده است. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (۱۸۶۰) اجرای مأموریت‌های محوله از سوی کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های ژنو را بر عهده دارد. این کمیته به عنوان یک نهاد بی‌طرف در زمان جنگ یا منازعات داخلی، به طور فعال ایفای نقش می‌کند و در مورد موضوعات بشردوستانه به عنوان واسط میان دولت‌ها فعالیت می‌کند.

کنوانسیون سوم ژنو و رفتار با اسیر جنگی

از میان کنوانسیون‌های ژنو که نقش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در آن حائز اهمیت است، کنوانسیون سوم ژنو است.^۱ این کنوانسیون مشتمل بر ۱۴۳ ماده و ۱۰ پیوست می‌باشد. کنوانسیون مذکور به دلیل تدوین قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه در حمایت از اسیران جنگی مورد استقبال حدود ۱۹۵ کشور درآمده است و آن را به تصویب رساندند (Dieter & others, 1995: 325). علاوه بر مواد مربوط به حقوق اسرای جنگی که به تفصیل در کنوانسیون سوم ژنو آمده است، پروتکل دوم الحاقی با هدف تکمیل کنوانسیون سوم، برخی از رفتارهای خلاف حقوق بشری نظیر برخورد و رفتار غیر انسانی و بی‌احترامی به عقاید و اعمال مذهبی؛ قتل، صدمات جسمانی و روحی از جمله شکنجه و رفتارهای خوارکننده؛ هتک حرمت، تحقیر و... را به شدت منع کرده است (عبدالهی، ۱۳۸۸: ۳۹۵). بنابراین، توسعه و اعمال مقررات بشردوستانه بین‌المللی برای حمایت از اسیران جنگی در بر گیرنده عناصر حقوقی، اخلاقی، نظامی و حتی سیاسی است. رفتار انسانی با اسیران جنگی ریشه در این واقعیت دارد که رزمندگان به اسارت گرفته شده دیگر خطری برای جان افرادی که آن‌ها را به اسارت در آوردند، ندارند. علی‌رغم قوانین و مقررات روشن درباره رفتار با اسرای جنگی، عملکرد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در اسارتگاه‌های مختلف، دارای استانداردهای متفاوتی است. برای نمونه، در اسارتگاه‌های عراق نقش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در حمایت از حقوق اسرای ایرانی در زمینه ثبت نام، بررسی شرایط اسکان و بهداشت، تلاش برای کاهش خشونت سربازان عراقی در قتل و جرح اسیران ایرانی و ایجاد شرایط برای مکاتبه با خانواده‌های خود در ایران مشهود بود؛ اما به دلیل حمایت همه‌جانبه نظامی، سیاسی، اقتصادی و اطلاعاتی جهان غرب از دولت عراق در جنگ، نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ که عمدتاً آمریکایی و اروپایی بودند و یا تحت تأثیر سیاست جانبدارانه دولت‌های غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا قرار داشتند، در حمایت از حقوق بشر اسرا کارآمد نبودند. لذا از همان ابتدا در تعاملات خود با دولت عراق رویکرد مماشات‌آمیز را در پیش گرفته بودند. علی‌رغم مشاهده رفتار ضد حقوق بشری دولت عراق با اسیران جنگی ایرانی، در طول دوران اسارت صرفاً یک بار و آن هم ضمن قراردادن ناعادلانه نام ایران و عراق در یک سطح از لحاظ نقض حقوق اسیران جنگی، مبادرت به صدور بیانیه عمومی کرد. علی‌رغم تأکید کنوانسیون سوم ژنو در رابطه با حقوق اسرا، "کنوانسیون

۱. برای اطلاع بیشتر از مفاد کنوانسیون سوم ژنو ر.ک. به: (Miller and Mcbrewster, 2010: 76) و (داعی، ۱۳۸۷)

منع شکنجه (۱۹۸۴) " (شفعی‌نیا، ۱۳۸۸: ۸۸ و ۲۴۷) ^۱ صدام حسین به دلیل حمایت غرب از این دولت، از هرگونه رفتار خشن، شکنجه و آزارهای جسمی و روحی، لطمه به حیثیت اشخاص و تحقیر، دریغ نمی‌کرد. نمونه‌های دیگر نقض کنوانسیون سوم ژنو توسط ایالات متحده، ایجاد زندان‌های ابوغریب و گوانتانامو و زندان‌های مخفی در اروپا و سایر نقاط جهان و رفتار خشونت‌آمیز آن‌ها با زندانیان می‌باشد. بنابراین، کمیته صلیب سرخ جهانی در اجرای وظایف ذاتی خود ناتوان بوده است. قدرت‌های بزرگ علاوه بر مداخله‌گرایی و نقض حقوق بشر فراملی، در امور داخلی نسبت به ملت خود و اتباع بیگانه نیز مرتکب خلاف حقوق بشری می‌شوند.

برای نمونه، قصور و بی‌اعتنایی ایالات متحده آمریکا در رعایت تعهدات بین‌المللی و حقوق کنسولی اتباع پاراگوئه و اعدام اتباع مکزیکی و سایر ملیت‌ها، اعتراضات گسترده‌ای را به دنبال داشته است.

کتاب آسمانی

گرچه منشور کوروش، اعلامیه‌ها، کنوانسیون‌های حقوق بشر و شورای حقوق بشر در زمینه حقوق انسان‌ها و رفع تبعیض‌ها به وجود آمدند، ولی مهم‌ترین این سهم به کتاب‌های آسمانی و تعلیمات ادیان الهی به انسان‌ها باز می‌گردد. این مؤلفه‌های مقدس به عنوان مروجین حقیقی و غیرتبعیض‌آمیز حقوق بشر به حساب می‌آیند.

در سیر تاریخی مباحث حقوق بشر، ادیان الهی همواره در برابر ستمکاران و قدرتمندان غاصب و ناقضان حقوق انسان‌ها ظهور کرده‌اند و در بُعد تعلیمات اجتماعی نیز برای برقراری عدالت و تساوی حقوق انسان‌ها و رفع تبعیض نژادی و امتیازات طبقاتی مبارزه نمودند. پیامبر اسلام محمد بن عبد... (ص) نیز در برابر مستکبران، ظالمان و اعراب جاهل قیام کرد و تعلیمات او مشحون از برابری انسان‌ها و لغو تمایزات طبقاتی و افتخارات جاهلی و اجرای عدالت و احقاق حقوق ضعفا بود. ^۲ بنابراین، تردیدی نیست که مفاهیم عالی‌انسانی از قبیل کرامت، شخصیت انسان، آزادی، مساوات و غیره، ریشه در تعالیم انبیای الهی دارد و ادیان آسمانی کمک بزرگی به پیشرفت حقوق بشر کرده‌اند (مهرپور، ۱۳۸۴: ۳۰۸). مفاهیم بنیادین حقوق بشر «آزادی، برابری و برادری» که در حدود ۲۰۰ سال قبل در انقلاب فرانسه مطرح شد و هم اکنون به عنوان یک سند

۱. برای اطلاع بیشتر رک به:

-General Assembly Resolution (1984), *Convention Against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment of Punishment*.

۲. سوره انعام ۱۱۹، سبا ۲۸.

افتخارآمیز غرب به حساب می‌آید، در حدود ۱۴۰۰ سال پیش از آن توسط پیامبر اسلام محمد (ص) مطرح شده بود.^۱ از این‌رو، ریشه پیشرفت حقوق بشر در عصر حاضر به کتاب آسمانی و تعالیم آن از طریق پیامبر و جانشینان صالح آن باز می‌گردد.

بنابراین، تاریخ تحولات حقوق بشر را باید در دو خط موازی اندیشه سیاسی انبیا، برای رسیدن به جامعه الهی انسانی و اندیشه بشری برای نیل به جامعه مدنی جستجو نمود (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۲۱۱). در حقیقت، منبع حقوق غربی تراضی میان دولت‌هاست نه ملت‌ها؛ دولت‌هایی که به دلیل قدرت نفوذ بالا آرای سازمان‌های بین‌المللی را در اختیار گرفته‌اند و به نام ملت خود، گرد هم می‌آیند و توافق خود را بر جهان تحمیل می‌کنند. در اسلام، به تراضی ملت‌ها در دایره احکام الهی احترام می‌نهند. بنابراین، در کتب فلسفه حقوق، «تراضی ملت‌ها» به عنوان یکی از منابع مهم حقوق بشر به حساب می‌آید. از مزیت‌های دیگر حقوق بشر اسلامی این است که قانون‌گذار الهی علاوه بر "طبیعت بشر" به "فطرت بشر" نیز توجه داشته است، ولی قانون‌گذار انسانی تنها به "طبیعت بشر" توجه می‌کند. همچنین، کاستی‌های دیگر اعلامیه جهانی حقوق بشر غفلت از رابطه انسان و جهان آفرینش و غفلت از رابطه انسان با خداوند است (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۶۶-۲۶۲).

برخی از حقوق اسلامی که الهام‌بخش صریح و یا تلویحی اعلامیه‌های حقوق بشر و یا اسناد مکمل حقوق بشری هستند، عبارت‌اند از: کرامت و شخصیت انسان، آزادی انسان، حق حیات، برابری و برادری انسان‌ها، آزادی سیاسی و اجتماعی، آزادی مذهبی، حق امنیت، عدم تبعیض مذهبی و جنس، حقوق اقلیت‌ها، حق مالکیت خصوصی، حق رفاه و آسایش، حق دادخواهی و حق مشارکت.

اعلامیه حقوق بشر اسلامی

این سند دارای نوآوری‌هایی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر به آن توجه نشده است. در بند ب ماده ۱۱، استعمار در انواع گوناگون آن ممنوع شده و حق مبارزه با آن مطرح شده است. در بند الف ماده ۱۷ دولت موظف شده که حق زندگی در محیط معنوی و عاری از هرگونه مفسد و بیماری‌های اخلاقی را برای افراد فراهم نماید. در بند ج آن مقرر می‌دارد که دولت و جامعه باید زندگی شرافتمندانه را برای افراد تضمین نمایند. در بند الف ماده ۱۸ مقرر می‌دارد که "هر انسانی حق دارد که نسبت به جان، دین، خانواده، ناموس و مال خویش در آسودگی زندگی کند". در بند ج ماده ۲۲ با بیان

۱. سوره حجرات، آیه ۱۳ (برابری)؛ سوره حجرات، آیه ۱۰ (برادری)؛ سوره نور، آیه ۵۵ (امنیت).

این که تبلیغات یک ضرورت است، حمله به مقدسات و کرامت انبیاء یا به کارگیری از هر چیزی که موجب ایجاد اختلال در ارزش‌ها یا متشتت‌شدن جامعه شود را ممنوع اعلام کرده است. با توجه به مفاهیم حقوق بشری مطلوب در قرآن کریم، اقدام قرآن سوزی در قلمرو تحت حاکمیت ایالات متحده آمریکا قابل تأمل است. این اقدام به عنوان نقض حقوق بشر و توهین به مقدسات سایر ادیان به حساب می‌آید. در موازین حقوق بشر نظام جمهوری اسلامی ایران، حقوق و آزادی‌های اساسی انسان که مبتنی بر کتاب مقدس اسلام، قرآن کریم است در مقایسه با اعلامیه جهانی حقوق بشر دارای برتری ویژه‌ای می‌باشد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم به حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی توجه خاص شده و هم به کرامت و ارزش‌های ذاتی و معنوی انسان به طور مطلوبی پرداخته شده است.

نتیجه‌گیری

ریشه‌های پیدایش موازین حقوق بشر به کتاب‌های آسمانی و آموزه‌های انبیا و صالحان بازمی‌گردد. نظام حقوق بشر جدید نتیجه نقض فاحش حقوق بشر در غرب به‌ویژه جنایات و کشتار جنگ جهانی اول و دوم می‌باشد. قوانین و مقررات بشری مندرج در میثاق ملل و منشور سازمان ملل متحد نظیر ایجاد جهان مبتنی بر صلح و امنیت، آزادی و عدم‌مداخله در امور سایر کشورها، احترام به اصل تساوی حقوق، خودمختاری ملل، همکاری‌های بین‌المللی و عدم تبعیض از مفاهیم انتزاعی و آرمانی است که در صورت اجرای صحیح آن آرمان‌های بشریت تحقق خواهد یافت. در این پژوهش موازین منشور بین‌المللی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی و پروتکل اختیاری آن، نظام رسیدگی به شکایات و کنوانسیون‌های ژنو، مورد بررسی قرار گرفته است. قدرت‌های بزرگ به‌ویژه ایالات متحده آمریکا در تدوین بسیاری از اسناد حقوق بشری ایفای نقش نمودند، اما هرگاه قوانین حقوق بشر در استراتژی ملی آن ایجاد مانع نماید آن را نادیده می‌گیرند. براساس نظریه کنث والتز، بنیان‌گذار نظریه نئورئالیسم، این قدرت‌های بزرگ هستند که نمایشنامه‌های بین‌المللی را می‌نویسند، صحنه‌آرایی می‌کنند و به اجرا درمی‌آورند و هرگاه در راستای منافع ملی آنها نباشد و نامناسب تشخیص دهند، آن را تغییر و یا حذف می‌کنند (Walts, 1979: 94). بنابراین، ایالات متحده برای به حداکثر رساندن منافع ملی و اهداف استراتژیک خود از ابزار دیپلماسی عمومی و یا هر وسیله ممکن از جمله قدرت نرم و سخت و یا ترکیبی از آن‌ها نیز بهره می‌جوید (Nye, 2010: 223). قدرت‌های بزرگ مداخله در

امور دولت‌های کوچک‌تر را نقض حقوق بشر تلقی نمی‌کنند، بلکه آن را حق ذاتی خود می‌دانند.

در پایان پژوهش حاضر، حقوق بشر براساس موازین اسلامی مورد بررسی قرار گرفت. پیامبران از جمله حضرت محمد (ص) به عنوان مروج حقوق بشر جهانشمول از طریق کتاب آسمانی موضوعاتی را مطرح نمودند که پس از آن در کلیه اسناد حقوق بشر از جمله منشور بین‌المللی حقوق بشر به عنوان مبانی حقوق بشر یاد می‌گردد. دین اسلام موضوعاتی از قبیل آزادی، مساوات، برابری، امنیت، عدم تبعیض نژادی، زبانی، مذهب، جنس و طبقاتی را مطرح نمود. این مفاهیم در دین اسلام ملاک برتری انسان‌ها به حساب نمی‌آید، بلکه تقوی و شایستگی معیار برتری میان انسان‌ها است. سیره عملی اولیای دین، به ویژه پیامبر اسلام (ص) و حضرت علی (ع) مشحون از معیارهای انسانی و اخلاقی است که رعایت آن چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ، ارزشمند است. در مقایسه میان معیارهای حقوق بشر در اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر اسلامی نه تنها تفاوت‌چندانی با یکدیگر ندارند، بلکه اعلامیه حقوق بشر اسلامی در زمینه موضوعاتی از قبیل عدالت، مبارزه با استعمار با هر شکل آن، اخلاق و معنویت و فضایل انسانی و نیز نقش دین و مذهب در زندگی انسان‌ها، بسیار عمیق‌تر و کامل‌تر مطرح شده است. همچنین، اصول اساسی جمهوری اسلامی ایران که منبعث از کتاب آسمانی است هم به حقوق بشر موضوعه و هم به انگاره‌ها و گفتمان‌های معنوی انسان توجه داشته است که اجرای صحیح آن متضمن صلح و امنیت خواهد بود.

منابع

۱. آقایی، داود و رضا براتی، "تأملی بر سیاست خارجی حقوق بشر آمریکا؛ با نگاهی به سیاست آمریکا در قبال ایران"، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۰، شماره ۱، (بهار ۱۳۸۹).
۲. جعفری، علی‌اکبر (۱۳۷۹)، "تقابل استراتژی‌ها و اختلاف ایران - آمریکا"، *پایان نامه دوره کارشناسی ارشد*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۳. داعی، علی (۱۳۸۷)، *حقوق اسیران جنگی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه*، تهران: پیام آزادگان.
۴. رابرتسون، جفری (۱۳۸۳)، *جنايات عليه بشریت*، ترجمه: گروه پژوهشی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۵. زمانی، قاسم (۱۳۸۰)، *تأملی بر رعایت حقوق بی‌طرفی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۶. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴)، *فقه سیاسی، مبانی حقوق عمومی در اسلام*، جلد هفتم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۷. شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۷۷)، *حقوق بشر در پرتو تحولات بین‌المللی*، تهران: نشر دادگستر.
۸. شفیعی‌نیا، محمد (۱۳۸۸)، *مطالعه تطبیقی اصل ممنوعیت شکنجه در سه نظام حقوقی اسلام، ایران و بین‌الملل بشر*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. شورای حقوق بشر (۱۳۸۹)، *شورای حقوق بشر و سازمان ملل متحد*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۰. عبدالهی، محسن (۱۳۸۸)، *تروریسم، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۱۱. گریفیتس، مارتین (۱۳۸۸)، *دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان*، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
۱۲. لیتیم، نادیه (۱۳۸۸)، "مسئولیت حقوقی بین‌المللی جنایت‌های اسرائیل در غزه"، ترجمه: محمد خواجه‌جوی، در *کتاب خاورمیانه: ویژه نقض حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی*، تهران: ابرار معاصر تهران.
۱۳. مهرپور، حسین (۱۳۸۴)، *نظام بین‌المللی حقوق بشر*، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۴. میرمحمدصادقی، حسین، "جنايات اسرائیل در غزه از منظر حقوق جزای بین‌الملل"، *روزنامه جام جم*، سال ۹، شماره ۲۴۶۷، (۱۳۸۷).
۱۵. نقیبه‌مفرد، حسام (۱۳۸۹)، *حکمرانی مطلوب: در پرتو جهانی شدن حقوق بشر*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

16. Cordesman, Anthony (1987), *The Iran-Iraq War and Western Security*, London: Janes Publishing Co.
17. Dieter, Fleck & others (1995), *The Hand Book of Humanitarian Law in Armed Conflicts*, New York: Oxford University Press.
18. General Assembly Resolution (1984), *Convention Against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment*.
19. Hilaire, Max (1997), "International Law and the United States Military Intervention" in *The Western Hemisphere*, London: Kluwer Law Nijhoff.
20. Krasner, Stephen, "Structural Causes and Regime Consequences", *International Organization*, No. 36, Vol. 12, (1981).
21. Krasner, Stephen (2000), "Power Vs Wealth in North-South Economic Relations", in *Art and Jervis*, eds.
22. Landman, Todd and Edzia Carvalho, (2010) *Measuring Human Rights*, New York: Routledge.
23. McAuliffe, Margaret D., "The Road from Rome: The Developing Law of Crimes against Humanity", *Human Rights Quarterly*, Vol. 22, (2000).
24. Miller, Ferderic P., Agnes F. Vandome and John Mcbrewster (2010), *Third Geneva Convention*. Betascript Publishing.
25. Nye, Joseph (2010), "Responding to My Critics and Concluding Thoughts" in *Inderjeet Parmar and Michael Cox, Soft Power And US Foreign Policy*, London & New York: Routledge.
26. *UN/GA/Res/A/1644*, 2006.
27. United Nations Center for Human Rights, *A Compilation of International Instruments*, New York: UN.1998.
28. Waltz, Kenneth (1979), *Theory of International Politics*, New York: Random House.